

DOI: 10.30512/KQ.2022.17745.3295

الگوپردازی مرجعیت‌یافتگی قرآن کریم از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای*

ابوالفضل خوش‌منش^۱

رامین طیارنیژاد^۲

محمود قاسمی قلعه بهمن^۳

چکیده

مرجعیت قرآن کریم از تعابیر نوظهور حوزه مطالعات تفسیری به شمار می‌آید که ضمن وفاق اکثری بر اصل آن، رویکردهای متفاوتی درباره آن وجود دارد. این پژوهش درصدد است با روش تحلیل محتوای کیفی در استخراج مضامین و مقوله‌ها از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، گرانیگاه فکری ایشان در زمینه مرجعیت قرآن را کشف و ارائه نماید. یافته‌های تحقیق کاشف از عقیده آیت‌الله خامنه‌ای به «مرجعیت / امامت قرآن کریم» در فرایندهای حکمرانی، بنیان‌های دانشی و سبک زندگی است. این نظریه که بر مجموعه‌ای از مبانی «قرآن‌شناسی» (بر پایه پدیدارشناختی قرآن)، «انسان‌شناسی» و «دین‌شناسی» استوار است، در سه مقوله کلان و سیزده مؤلفه خرد سامان یافته است. «تدبیر» دال مرکزی مقوله «الزامات مرجعیت قرآن» است که به موجب آن، نظریه مرجعیت متکی به یک هویت واحد و جمعی شکل‌گرفته از آگاهی‌های انسجام‌یافته‌ای است که محصول مجموع‌نگری به قرآن است. تحلیل‌های کمی حاکی از این است که مایز اصلی نظریه آیت‌الله خامنه‌ای با دیگر نظریات مشابه در مقوله «جرایمی مرجعیت قرآن»، یک «مایز روشی» است. «ظهور عمل دینی» در قواره اجتماع (کارایی / امتداد اجتماعی معرفت)، دال مرکزی این مقوله است که دیگر دال‌های شناور، حول آن مفصل‌بندی شده‌اند. این دال مرکزی، ره‌آورد «دانایی توأم با عاطفه» (توأمانی عقل و دل) است و قرآن کریم تنها منبع معرفتی است که در روش تعلیمی خود، دانایی را توأم با جهات عاطفی انسان به قصد تحقق کارایی می‌آمیزد. نقش راهبردی سه‌گانه «تلاوت، استماع، تدبیر» در ساختار معرفت قرآنی و تعلیمات دینی، از این رهگذر باز یابی می‌شود.

واژگان کلیدی: مرجعیت قرآن، آیت‌الله خامنه‌ای، تدبیر، تلاوت، عمل دینی، عقل، عاطفه.

* تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران / khoshmanesh@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / Muhammad.tayyari@ut.ac.ir

۳. طلبه سطح چهار حوزه علمیه / Bahman.mgb@gmail.com

۱- مقدمه

بحث از «مرجعیت» در برخی علوم و دانش‌های قدسی یا بشری، قدمت طولانی دارد. هرچند ادبیات مرجعیت درباره قرآن در چند دهه اخیر توسعه یافت، اما در واقع مبدأ بحث پیرامون مرجعیت قرآن کریم، خود قرآن و آیاتی است که یا به گستره و شمول قرآن تصریح کرده‌اند یا به گستره کتب آسمانی قبل اشاره داشته‌اند و به این مناسبت، بحث از گستره قرآن نیز شکل گرفته است. آیات ذیل از جمله مهمترین این گزاره‌هاست: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل: ۱۶/۸۹)، ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام: ۶/۳۸)، ﴿وَلَا رُطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (انعام: ۶/۵۹) و ﴿وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (اعراف: ۷/۱۴۵).

این آیات پایه طرح مباحث گسترده‌ای از سوی مفسران درباره قلمرو مرجعیت قرآن کریم قرار گرفته است؛ به طوری که عده‌ای قائل به اعطای تمامی علوم به حضرت رسول(ص) از طریق قرآن شده‌اند (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۴۵) و عده‌ای نیز، قرآن را فقط جامع علوم دین دانسته‌اند، نه اینکه مشتمل بر علوم غیر دینی هم باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۵۸). سیوطی به نقل اقوال متفاوتی پرداخته که قرآن را جامع علوم اولین و آخرین یا تنها جامع اوامر و نواهی معرفی کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، صص ۱۲۷-۱۲۸). طبری قلمرو علمی قرآن را تنها شامل نیازمندی‌های مردم در حوزه احکام عملی، اعم از حرام و حلال، ذکر کرده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۰۸). ابن کثیر دایره جامعیت قرآن را به وسعت تمامی علوم نافع مورد نیاز مردم در امر دین و دنیا دانسته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۱۰). برخی قرآن را تنها جامع آنچه مربوط به دین می‌شود، بیان نموده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۰۴/ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۱۹/ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۲۸). فیض کاشانی با استناد به روایاتی، قرآن را جامع تمامی احتیاجات انسان دانسته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۱). از نظر علامه طباطبایی، هر چیزی که مربوط به امر هدایت بشر شود، اعم از معارف، اخلاق، شریعت و... قرآن به آن پرداخته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۲۴). گروهی نیز، قرآن را جامع احتیاجات انسان در حیات عمومی خویش، اعم از نظام عقیدتی و تشریحی و اخلاقی دانسته‌اند. بر این اساس، این نظر که قرآن جامع تمامی علوم با تفصیلات و جزئیات آن است، صحیح نیست؛ زیرا اساساً شأن رسالت پرداختن به چنین جزئیاتی نیست (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۲۷۹). بخشی از مباحث مطروحه در کتب تفسیری، نقل از امامان معصوم(ع) و طبقه صحابه و تابعان است که از سابقه طرح این مسأله در همان عصر نزول حکایت می‌کند. با این حال، طی سده‌ها و دهه‌های اخیر، همزمان با گستردگی علوم و نظامات اجتماعی و تمدن‌های بشری، مسأله مرجعیت قرآن کریم یا تعبیر دیگر آن، همچون قرآن‌گرایی و جریان بازگشت به قرآن به صورت جدی‌تر و گسترده‌تری در محافل علمی و سیاسی مطرح شده است. با این وجود، بحث از مرجعیت قرآن هنوز در ابتدای راه است و تا تحقق آن، راه طولانی در پیش دارد.

دنیای اسلام پس از تجربه یک دوره تمدنی فراگیر و طولانی، دچار نوعی انسداد علمی و انحطاط تمدنی شد. توأمانی عصر انسداد و انحطاط دنیای اسلام با شکل‌گیری و فراگیری تمدن مادی غرب که برای افول قدرت اسلام تلاش می‌کرد، موجب شد تا دنیای اسلام در مواجهه با نظامات این تمدن در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و... دچار نوعی انفعال و تحیر شود. در این شرایط، تمسک دنیای اسلام به توسعه اقتصادی غرب که خود محصول تفوق علمی دنیای غرب بود، زمینه را برای سلطه فرهنگی آن‌ها و در نتیجه، در خطر قرارگرفتن نظام ارزشی و اخلاقی دین و تقابل با سنت‌های مذهبی فراهم آورد (پاکتچی، ۱۳۹۵، صص ۵-۶). در چنین وضعیتی که دنیای اسلام به لحاظ اقتصادی، ضعیف و به لحاظ سیاسی، وابسته و به لحاظ فرهنگی، مقلد و به لحاظ علمی، راکد و عقب‌نگه داشته شده بود، عالمان دینی، مجموعه‌ای از تحرکات مصلحانه اجتماعی را با رویکردهای گوناگون و عمدتاً با محوریت قرآن کریم و شعار «بازگشت به قرآن» آغاز کردند (موثقی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹۲ / خوش‌منش، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). در این میان، حرکت اصلاحی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در پیش از انقلاب اسلامی، مبتنی بر سه مؤلفه بنیان یافته بود: الف) نقد عمل مسلمانان، ب) احساس خلاء در آموزه‌های رواج‌یافته دینی و ج) فقدان نظم منسجم و ارتباط اندام‌وار میان مفاهیم اسلامی. از نظر ایشان اشتغال به پندارهای سست و خرافاتی در طبقه «عوام» و استدلال‌های فلسفی خشک و بی‌اثر و منفک از عرصه عملی زندگی در طبقه «خواص»، عامل مهم افول تمدن مسلمانان در برابر توسعه مادی تمدن غرب بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲). نکته حائز اهمیت اینکه ایشان رفع این خلاءها را در بازگشت به قرآن یعنی محوریت‌دهی و معیارگذاری معرفتی و عملی به قرآن پیگیری نموده‌اند (همان، همانجا). چنین رویکردی به قرآن کریم را می‌توان در ادبیات قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای تحت عنوان «مرجعیت قرآن» (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۳۹، ص ۱۳) یا «امامت قرآن» (همان، ج ۴۰، ص ۱۱) مورد واکاوی قرار داد.

بر این اساس، غرض از این پژوهش، پرداختن وسیع به پدیده مرجعیت قرآن کریم نیست. این مقاله صرفاً بر کشف و ارائه گرانیگاه یا دال مرکزی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای که ابتدا و اتکای ایشان به قرآن را در مقاطع مختلف، به‌خصوص دوران مبارزه در راه تحقق حاکمیت اسلام ایجاب کرده است، تمرکز دارد. بنابراین، مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی در بررسی بیانات ایشان درصدد پاسخ به مسئله اصلی زیر است:

۱. گرانیگاه فکری آیت‌الله خامنه‌ای در قبول مرجعیت‌یافتگی قرآن که مایز اصلی ایشان از آراء مطروحه در

این زمینه می‌باشد، چیست؟

از جمله مسأله‌های پیرامونی که در فرایند پاسخ‌دهی به مسأله اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرند، سه مسأله

ذیل می‌باشند:

۲. دیگر ضرورت‌های ابتدای بر قرآن کریم در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند؟

۳. قلمرو مرجعیت قرآن کریم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چه عرصه‌هایی را شامل می‌شود؟

۴. نظریه مرجعیت قرآن کریم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چه الزامات روشی دارد؟

روش این پژوهش از نوع اکتشافی است و بدین علت، بر فرضیه معینی متمرکز نیست. آثاری در حوزه مرجعیت قرآن کریم و ابعاد مختلف آن، اعم از مبانی، گستره و قلمرو، شاخص‌ها و دیگر ابعاد آن سامان پذیرفته است که برای نمونه می‌توان به مقالات «مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی» (میبدی و رفیعی، ۱۳۹۸)، «مرجعیت علمی قرآن از نگاه استاد مطهری» (فیروزمهر، ۱۳۹۸)، «درآمدی بر مبانی علوم قرآنی مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه آیت‌الله معرفت» (سادات‌فخر، ۱۳۹۸)، «مرجعیت علمی قرآن از نگاه دکتر گلشنی» (غرسبان، ۱۳۹۹) و «مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر اندیشه‌های قرآن‌شناختی رشید رضا» (حسینی‌رامندی، ۱۳۹۹) اشاره نمود.

با این حال به‌طور ویژه، ناظر به آراء و اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای تنها اثر پژوهشی یافت‌شده، مقاله «بررسی جامعیت و مرجعیت علمی قرآن با نگاهی بر اندیشه مقام معظم رهبری» (حکیمی، ۱۳۹۶) است که در همایش ملی «قرآن کریم؛ جامعیت و جهانی بودن» ارائه شد. این مقاله مرجعیت قرآن کریم در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای را در محدوده علوم انسانی بررسی نموده و آن را صرفاً به جامعیت قرآن پیوند زده است و از دیگر ابعاد وسیع این نظریه غافل مانده است.

۲- تبیین روش تحقیق

یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی که دایره وسیعی از ارتباطات اعم از گفتاری، شنیداری و نوشتاری را در بر می‌گیرد، روش تحلیل محتوا (Content Analysis) است. این روش به تحلیل ارتباطات معنادار می‌پردازد و بنابراین، ارتباطات عامیانه‌ای را که مفاهیم در آن‌ها روشن و بدیهی هستند، شامل نمی‌شود (ر.ک: باردن، ۱۳۷۵، صص ۳۰-۳۳). ذیل روش تحلیل محتوا، انواع مختلفی از فنون تعریف شده است که فن «تحلیل محتوای مضمونی» (Thematic Content Analysis / TCA) جزو پرکاربردترین آن‌هاست. این فن با تمرکز بر متن و اجزای تشکیل‌دهنده آن اعم از کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و... به‌طور نظام‌مند سعی در تبیین و دستیابی به اندیشه‌ها، نظریه‌ها و پیام‌های موجود در یک متن دارد.

در تحلیل محتوای مضمونی، سعی در یافتن هسته‌های معناداری از متن است که با هم مرتبط هستند و حضور و فراوانی آن‌ها حکایت از معنایی در خصوص هدف تحقیق دارد (باردن، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰). در تحلیل محتوای مضمونی به عنوان نوعی از روش تحلیل محتوا، تکیه محقق بیش از هر چیزی دیگری، روی مضامین و محتوای پیام و متن است. در این روش، محقق تلاش می‌کند به جای استفاده از مقیاس‌ها و پرسش‌نامه‌های از پیش طراحی‌شده، مضامین متن را مورد سنجش قرار دهد (نوندورف، ۱۳۹۵، صص ۱۹۲-۱۹۳). اجرای درست روش تحلیل محتوا و استخراج یافته‌های حاصل از آن، زمینه‌الگویابی یا الگوپردازی از عبارات قرآنی را فراهم می‌آورد (عترت‌دوست، ۱۳۹۷، ص ۸۵). فرایند تحقیق حاضر به ترتیب ذیل است:

- احصاء و شمارش گزاره‌های بیاناتی حاوی اصطلاح «قرآن»؛

- کشف و استخراج جهت‌گیری کلی گزاره‌ها با بررسی سیاق گزاره‌های قبل و بعد؛

- استخراج مفاهیم و مضامین اصلی و فرعی مرتبط با عبارات؛
- دستیابی به ارتباط معنایی مفاهیم اصلی با بررسی گزاره‌های مرتبط قبل و بعد؛
- سنجش بسامد مفاهیم کلیدی و ترسیم نمودارهای کمی؛
- شناسایی کلمات هم‌نشین بر اساس بالاترین بسامد و تداوم سنجش بسامد آن‌ها؛
- تحلیل محتوای کیفی یافته‌های حاصل از نمودارهای تحلیل محتوای کمی؛
- ارائه نظریه یا نظریات مختار در قالب نتیجه‌گیری نهایی.

۳- تحلیل محتوای مضمونی گزاره‌های حامل اصطلاح «قرآن»

نرم‌افزار حدیث ولایت شامل متون مکتوب و مشروح آیت‌الله خامنه‌ای، ظرف جستاری این پژوهش قرار گرفته است. مجموع بیانات آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ش بررسی شد. مقوله‌های کلی مستخرج از تحلیل بیانات، عبارت از «انس با قرآن»، «تدبّر در قرآن»، «تلاوت قرآن»، «عمل به قرآن»، «روش تحقیق در قرآن»، «مرجعیت/ امامت قرآن» بوده‌اند. آنچه این پژوهش به آن می‌پردازد، بررسی مقوله «مرجعیت قرآن» است. تلاش شده تا گزاره‌هایی به عنوان فیش‌گزینش شوند و داخل جدول تحلیل محتوا قرار بگیرند تا حاوی یک جهت‌گیری کاملی باشند. با این وجود، در صورتی که حجم زیاد گزاره‌ها چنین اجازه‌ای نداده باشد، مضامین و جهت‌گیری‌ها پس از بررسی سیاق گزاره‌ها نگارش و قید شوند. گام اول اینگونه پیش می‌رود که گزاره‌های حاوی اصطلاح «قرآن» به تفکیک در جدول تحلیل محتوا ذیل چهار ستون «کلید واژگان»، «مضمون اصلی»، «مضامین فرعی» و «جهت‌گیری» قرار می‌گیرند و کدگذاری می‌شوند. به دلیل حجم زیاد جدول و محدودیت ظرف مقاله، بخشی از نتایج تحلیل محتوای گزاره‌های احصائی در جدول شماره یک ارائه می‌شود:

جدول شماره ۱: تحلیل محتوای مقوله «مرجعیت قرآن»

آداب تلاوت مجلسی را فراگیرید... دأب و فکر من این است و می‌خواهم در جامعه‌ی ما کاری بشود که برای قراء قرآن منبر بگذاریم و همچنان که الآن وعظ منبر می‌روند، قاریان قرآن هم منبر بروند و مثلاً، نیم ساعت قرآن بخوانند و مردم، آن زلال کلام الهی را مستقیم از او بشنوند و دل‌هایشان بلرزد و اشک بریزند و موعظه بشوند و بلند شوند و بروند؛ ولی ما حالا قرآن کریم را فقط مقدمه سخنرانی قرار داده‌ایم...					
من می‌گویم که در جامعه، قرآن اصل است. امت حزب الله باید یواش‌یواش با قرآن آشنا بشوند؛ آن طوری که بتوانند مستقیم قرآن را از شماها گوش کنند و بفهمند. شما باید بتوانید در یک مجلس بالای منبر بروید، آیات قرآن را بخوانید و مردم با شنیدن این آیات اشک بریزند؛ ما این را می‌خواهیم (خامنه‌ای، بی تا، ج ۱۳، ص ۳).					
ردیف	کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد	جهت‌گیری کلی
A	تلاوت، منبر، شنیدن، دل، اشک، وعظ	اصل بودن قرآن در جامعه اسلامی	اصل بودن قرآن در جامعه؛ مبنای عمومی‌سازی فهم قرآن	A1	چرایی مرجعیت قرآن (مبانی)
			اثر تلاوت قرآن همراه با آداب بر عواطف مخاطب	A2	
			لزوم تشکیل منبر برای تلاوت	A3	
			نقش استماع در فهم قرآن	A4	

مرجعیت الزامات مرجعیت قرآن	A5	توجه به عواطف انسان در طرح مباحث معرفتی			
<p>قرآن مجموعه معارف اسلام است. همه‌ی این حقایقی که ما بر اساس آنها ادعا داریم که می‌خواهیم بشر را نجات بدهیم، استکیار را شکست بدهیم، پادشاهان و زورمداران و زورگویان و سلطه‌گران را به زانو در بیاوریم و مستضعفان و محرومان و انسان‌های فرو دست را به آقایی و عزت برسانیم، همه‌ی این مفاهیم و معارف در قرآن است. علاوه بر اینها، همه‌ی آن چیزهایی که، درس‌هایی که ما را برای سازندگی یک زندگی خوب، آباد، آزاد یاد می‌دهد، در قرآن است. علاوه بر اینها، همه‌ی آن درس‌هایی که ما را نسبت به شناختن انسان و نیازهای انسان و درک‌ها و دردها و درمان‌های او کمک می‌کند، در قرآن است... زنجیره‌ی بی‌پایان عظیمی از زیبایی‌ها، از معارف، از درمان‌ها در مقابل ماست... همه‌ی قرآن‌خوان‌ها، هر روز قرآن بخوانند، به صدای بلند بخوانند. بگذارید آهنگ قرآن فضای جامعه‌ی ما را پر کند... قرآن درمان همه‌ی دردهای انسانی و اجتماعی ماست.</p>					
جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	B
چرایی مرجعیت قرآن (مبانی مرجعیت الزامات مرجعیت قرآن)	B1	امکان دستیابی به حقایق و معارف قرآن	جامعیت قرآن در زمینه همه مسائل انسانی و اجتماعی	مجموعه معارف اسلام، خواندن قرآن، درمان، دردهای انسانی و اجتماعی	
	B2	نقش تلاوت فراگیر قرآن در آشنایی عمومی با قرآن			
<p>امام صادق(ع) ... تمام مبارزات طولانی دوران امامتش برای این بود که یک حکومت اسلامی سر کار بیاید. برای این بود که در میان مسلمانان، قرآن مرجع برای قانون و عرف و مقررات باشد؛ یعنی کاری که امروز شده... .</p>					
جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	C
الزامات مرجعیت قرآن قلمرو مرجعیت	C1	تشکیل حکومت؛ هدف مبارزاتی امام صادق(ع)	بنای حکومت اسلامی بر مرجعیت قرآن	حکومت اسلامی، مرجع قانون، مرجع عرف	
	C2	مرجعیت قرآن در قانون‌گذاری حکومت اسلامی			
	C3	ایجاد حکومت اسلامی؛ شرط مرجعیت قرآن			

قرآن					
<p>اگر قرار باشد که ما خودمان را با عمق آموزش‌های اسلامی آشنا کنیم و قدم به قدم پیش برویم و در یک حد متوقف نمانیم، یک منبعی لازم داریم که این منبع تمام‌نشدنی باشد و آن قرآن است، همه‌ی منابع دیگر تمام‌شدنی است... اگر شماها با قرآن آشنا شدید، انس پیدا کردید، قدر قرآن را دانستید، از قرآن توانستید چیز بشنوید، چیز بفهمید، بنده بگویم به شما... همین عده‌ای که الان اینجا هستید، اگر باشید و هیچ کس در این دنیا طرفدار این انقلاب و این راه نباشد، همین شماها می‌توانید بر همه‌ی دنیا پیروز بشوید؛ این قدر قرآن حرکتش قوی و تحریکش تعیین‌کننده است.</p>					
جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	D
چرایی مرجعیت قرآن الزامات مرجعیت قرآن	D1 D2	قرآن؛ تنها منبع معرفتی تمام‌نشدنی حرکت‌آفرینی معرفتی قرآنی	ضرورت انس با قرآن	عمق آموزش‌های اسلامی، منبع تمام‌نشدنی، انس با قرآن، استماع قرآن، فهم قرآن، حرکت	
<p>در هر جامعه‌ای که قرآن به عنوان مرجع نظام زندگی و دستور زندگی و مقررات رایج بین مردم مورد توجه قرار نگیرد، آنجا قرآن به معنای واقعی مهجور است. البته، تلاوت قرآن به عنوان یک رابطه دائمی بین مردم که می‌تواند آنها را نگذارد که از قرآن منقطع بشوند، نعمت بزرگی است که همواره وجود داشته، باز هم تا آخر وجود خواهد داشت، لکن کافی نیست. با یک مطالعه‌ی اجمالی و بررسی اجمالی به نظر می‌رسد و احساس می‌کنیم که در درجه اول در کشورهای اسلامی باید احکام قرآنی مرجع و ملاک زندگی قرار بگیرد، این اساسی‌ترین کار است و تا این کار انجام نگیرد، جامعه‌ای به معنای واقعی کلمه، عامل به قرآن و در واقع، کمک‌گیرنده از قرآن برای زندگی‌اش محسوب نخواهد شد (۱۳۶۵/۰۱/۱۲).</p>					
جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	E
قلمرو مرجعیت قرآن	E1 E2	مهجوریت قرآن؛ یعنی عدم مرجعیت قرآن تلاوت؛ مایه حفظ رابطه عموم مردم با قرآن	ضرورت انطباق نظام زندگی بر قرآن	مرجع نظام زندگی، مهجوریت قرآن تلاوت عامل به قرآن	
<p>در نظام اسلامی و جامعه اسلامی، هر چیزی که خارج از قرآن و دور از قرآن باشد، بی‌ارزش است. تمام خطوط اساسی در جامعه باید از قرآن سرچشمه گرفته بشود، تمام منظور جزئیات نیست، مقررات جزئی و احکام جزئی نیست. منظور خط‌مشی‌هاست، منظوم شعارهاست، منظور جهت‌گیری جامعه است. یک شعار سیاسی، مثلاً شعار نه شرقی و نه غربی، اگر در قرآن ریشه نداشته باشد، ارزشی ندارد... تمام احکام و روایات و اشارات و درس‌ها، آن وقتی ارزش دارد که با قرآن منطبق بشود. همه‌ی اظهارنظرها، توصیه‌ها، رهنمودها، حکمت‌ها آن وقتی معتبر است که با قرآن منطبق بشود. آیا می‌شود؟ بله، آیا می‌شود یک جامعه‌ای همه چیزش را از قرآن بگیرد؟ بله می‌شود... هر کی با قرآن انس داشته</p>					

باشد، این برایش محتاج استدلال اصلاً نیست... باید بروید به سمت قرآن، به سمت آشنایی با قرآن... یک برنامه‌ریزی باید بشود برای اینکه تمام مردم قرآنی بشوند؛ مثل نماز که به بچه‌هایمان یاد می‌دهیم.

جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	F
مرجعیت قرآن	F1	انطباق خطوط اساسی جامعه با قرآن؛ شرط اعتبار و ارزشمندی آن‌ها	شمولیت مرجعیت قرآن نسبت به خطوط اساسی جامعه و نه جزئیات	نظام اسلامی، جامعه اسلامی، خطوط اساسی، جزئیات، خط‌مشی‌ها، شعارها، جهت‌گیری جامعه، انطباق با قرآن، انس با قرآن	
	F2	درک مرجعیت قرآن در گرو انس عمومی با قرآن			
	F3	عمومی‌سازی فهم قرآن از لوازم تحقق مرجعیت قرآن			
الزامات مرجعیت قرآن					

مسئله بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن... اینکه حالا اکثریت مردم دنیا اینجور حرف می‌زنند، اینجور حرکت می‌کنند، اینجور رفتار می‌کنند، ما باید عقل خودمان را، دین خودمان را، هدایت الهی را معیار قرار دهیم برای رد و قبول. امت مؤمن و مسلم، آن امت و ملتی است که معیار را از قرآن می‌گیرد، از هدایت الهی می‌گیرد؛ این می‌شود معیار... هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد... ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهلیت(ع) را داریم... باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم. این جلسه قرآن، این آموزش قرآن، این تجوید قرآن، این حُسن تلاوت قرآن با نغمه‌های خوب، با صدای خوب، همه مقدمه برای این است... آنچه که ما را به حقایق نورانی می‌رساند، تدبیر در قرآن است؛ و این حفظ قرآن... یک مقدمه خوبی است برای تدبیر. یعنی حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه قرآن و پی‌درپی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب می‌شود که انسان بتواند در قرآن تدبیر کند.

جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	G
مرجعیت قرآن	G1	مؤمن بودن امت در گرو معیار قراردادن قرآن	معیار بودن قرآن در سبک زندگی و شئون جامعه	اخلاق قرآنی، سبک زندگی، انطباق با قرآن، عقل، دین، معیار، هدایت قرآن، زندگی، جامعه، تلاوت، تدبیر، حفظ	
	G2	جامعه‌پردازی بر معیار قرآن و عترت(ع)			
	G3	حفظ و تلاوت و تجوید و انس؛ مقدمه‌ی تدبیر در قرآن			
	G4	تدبیر در قرآن؛ لازمه انطباق با قرآن و معیار قرار دادن آن			
الزامات مرجعیت قرآن					

ما از قرآن خیلی دوریم، ما با قرآن فاصله داریم؛ قرآن را پیش از این، در همه‌ی زندگی‌مان، در همه‌ی ذهنیت‌مان، عملیات‌مان، افکارمان، عزم‌مان، رفتارمان بایستی هادی و ملجأ و امام خود قرار بدهیم؛ و این امروز متأسفانه نیست (۱۳۹۷/۰۲/۲۷).

جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	
قلمرو مرجعیت قرآن	H1	امکان مرجعیت‌یافتگی قرآن در تمامی ابعاد زندگی	لزوم امامت قرآن در تمامی ابعاد زندگی	همه‌زندگی، ذهنیات، عملیات، هادی، ملجأ، امام	H
<p>مسئله‌ی قرآن و مرجعیت قرآن و رجوع به قرآن و استفهام از قرآن در مسائل گوناگون فکری و عملی و اجتماعی و سیاسی و حکومتی و مانند اینها، خیلی چیز مهمی است. ما واقعاً در این زمینه‌ها کم‌کاری داریم، [و در زمینه‌ی] تلذّب در قرآن برای کسانی که اهل تلذّبند... خود این مرجعیت قرآن برای این مسئله‌ی مهم، یک موضوع اساسی و حسّاس است. علوم انسانی و اهتمام به آن و توجه به آن - که چند سال است که بر سر زبان‌ها رایج است - هم یک مسأله است. کار شما پیوند زدن این دو امر مهم با یکدیگر است و این به نظر من خیلی مهم است؛ خیلی به‌جاست که هرچه می‌شود در این زمینه تلاش صورت بگیرد (۱۳۹۶/۰۳/۰۱).</p>					
جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	K
قلمرو مرجعیت قرآن الزامات مرجعیت قرآن	K1	تلذّب؛ شیوه‌ی استفهام از قرآن و رجوع به قرآن	شمول مرجعیت قرآن در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی	مرجعیت قرآن، استفهام فکری، عملی، اجتماعی، سیاسی، حکومتی، تلذّب، علوم انسانی	
	K2	ضرورت رجوع علوم انسانی به قرآن			
	K3	ضعف و کم‌کاری در زمینه مرجعیت قرآن			

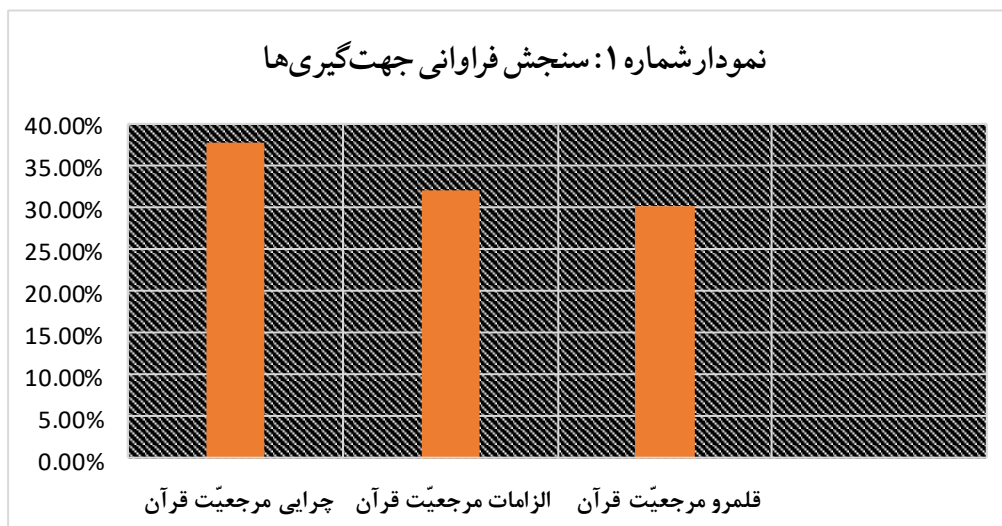
وقتی قرآن را مهجور کردیم... مجموعه‌ی مفاهیم قرآنی را که یک منظومه‌ی کامل برای زندگی انسان است درست نلیدیم، آن وقت لغزش بی‌لایمی کنیم و نیروی خرد ما هم نمی‌تواند فهم درستی از مفاهیم قرآنی پیدا کند (۱۳۹۳/۰۳/۰۶).

جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	L
قلمرو مرجعیت قرآن الزامات مرجعیت قرآن	L1	مهجوریت قرآن؛ یعنی عدم مرجعیت قرآن	عدم جمع‌نگری به آیات قرآن؛ موجب خطای در فهم	مهجور، مفاهیم قرآن، مجموعه کامل، منظومه کامل، زندگی، لغزش، خرد	
	L2	منظومه کامل بودن قرآن برای زندگی؛ مبنای اجتناب‌ناپذیری مرجعیت‌یافتگی قرآن			

<p>خدای متعال هیچ چیزی را بی مصلحت و حکمت که نمی آورد. حکمتی بود در اینکه این هنر قوی و کارآمد، مفاهیم الهی را این طور به انسان‌ها ارائه کند، تا الآن که حدود هزار و چهار صد سال از زمان نزول قرآن گذشته، باز موجب خیزش انسان‌ها شود. الآن شما برای حرکت دادن یک جامعه‌ی مسلمان، بهترین ابزارتان آیات قرآن است. این، چیز خیلی عجیبی است؛ کهنه نشده و کهنه نمی شود.</p>					
جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	M
	چرایی مرجعیت قرآن	M1	هنری بودن ساختار آیات قرآن	ضرورت استفاده از قرآن در ایجاد خیزش‌های اجتماعی	
	M2	قرآن؛ مؤثرترین عامل حرکت جامعه			
<p>ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخشهای مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد (۱۳۸۸/۰۷/۲۸).</p>					
جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	N
	قلمرو مرجعیت قرآن	N1	ناصحیح بودن مبانی علوم انسانی موجود	لزوم ابتدای علوم انسانی بر قرآن	
	N2	امکان استخراج مبانی علوم انسانی از قرآن			
<p>یقیناً هر یک از این جلساتی که برای قرآن و تلاوت قرآن تشکیل می شود و عندلیبان قرآنی در آن نغمه سرائی می کنند، تأثیر بسزائی در تعمیق ایمان و عشق و محبت ما به قرآن دارد و همه چیز در گرو همین است... اگر این عقاید، این پایبندی‌های عقلانی، با محبت و با عواطف عجین و همراه شد، آن وقت عرصه، عرصه عمل قرآنی خواهد شد... ما دنبال این هستیم. اگر این محافل قرآنی بتواند دل‌های ما را فراتر از جنبه عقلانی، از جنبه عاطفی و علقه عشق و محبت، به قرآن نزدیک کند، مشکلاتی که بر سر راه جامعه اسلامی است، برطرف خواهد شد؛ این اعتقاد ماست... خوشبختانه در جامعه ما، در معارف اسلامی ای که ما از طریق اهلبیت (ع) یاد گرفتیم، این معنا وجود دارد؛ عقل و عاطفه، هر دو همراه یکدیگر... (۱۳۹۱/۰۴/۳۱).</p>					
جهت‌گیری کلی	کد	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان	O
	چرایی مرجعیت قرآن الزامات	O1	عمل قرآنی؛ محصول عجین شدن عقاید با عواطف کارایی = دانایی + عاطفه	تلاوت، ایمان، عشق، محبت، عقاید، عواطف، عمل، عقل، دل	
	مرجعیت قرآن قلمرو مرجعیت قرآن	O2	حل مشکلات اجتماعی با تحقق عمل قرآنی		
	O3	دل؛ مقصد فراتر تلاوت			

۴- تحلیل داده‌ها

پس از ترسیم مختصات بیاناتی که حاکی از «مرجعیت قرآن» بودند و همچنین، احصاء مضامین اصلی و فرعی و جهت‌گیری‌ها، نوبت به ارائه تحلیل‌ها و یافته‌های حاصل از این داده‌ها می‌رسد. در روش تحلیل محتوا، از اطلاعات آماری و کمی در ارائه تحلیل‌های کیفی بهره برده می‌شود. مراد از تحلیل کمی، شمارش فراوانی عناصر متن اعم از کلیدواژگان، مضامین و جهت‌گیری‌های کلی آن است (باردن، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱). یکی از ویژگی‌های تحلیل محتوا، ابتدای یافته‌های تحلیلی کیفی به اطلاعات آماری و تحلیل‌های کمی است (نتوندورف، ۱۳۹۵، ص ۷۷). به تعبیر دیگر، تحلیل‌های کمی، دست‌مایه‌ی پژوهشگر برای ورود روشمند به تحلیل‌های کیفی و ارائه نتایج و یافته‌هاست (کرپندورف، ۱۳۷۳، ص ۴۷). بر این اساس، در گام اول، نمودار سنجش فراوانی جهت‌گیری‌های بیانات آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس جدول تحلیل محتوا ترسیم می‌شود.



بر اساس خروجی جدول تحلیل محتوا، مقوله‌بندی مرجعیت قرآن کریم در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در سه مؤلفه زیر صورت‌بندی می‌شود:

- چرایی مرجعیت قرآن کریم؛
- الزامات مرجعیت قرآن کریم؛
- قلمرو مرجعیت قرآن کریم.

هر یک از گزاره‌های مستخرج از بیانات، بسته به جهت‌گیری کلی آن‌ها که در جدول تحلیل محتوا درج شده است، ذیل یک مقوله از مقوله‌های سه‌گانه فوق قرار می‌گیرد. بر این اساس، مشاهده می‌شود که مقوله «چرایی مرجعیت قرآن کریم» نسبت به دو مقوله دیگر، بیشترین بسامد را داشته است و دو مقوله دیگر به نسبتی کمتر اما نزدیک، در مرتبه‌های بعد قرار دارند. با این حال، آنچه این تحقیق بر واکاوی آن تمرکز دارد، مقوله اول است. با توجه به تناسب و ترابط مؤلفه‌های مقوله اول با مقوله دوم، لازم است ترسیمی از شبکه مفهومی الزامات مرجعیت قرآن

کریم ارائه شود و سپس، چرایی مرجعیت قرآن کریم به بحث گذاشته شود. قبل از ورود به بحث، لازم است به‌طور مختصر، مؤلفه‌های پنج‌گانه مقوله قلمرو مرجعیت قرآن در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای مورد اشاره قرار گیرد. مبتنی بر داده‌های مستخرج از جدول تحلیل محتوا، دایره و گستره مرجعیت قرآن کریم سه حوزه کلان «حکمرانی»^۱، «سبک زندگی»^۲ (فردی و اجتماعی) و مبانی «علوم انسانی»^۳ را در برمی‌گیرد. حکمرانی در معنای موسع خود، شامل تمامی فرایندهای حکومت کردن در یک اجتماع می‌شود که البته مدل‌های گوناگونی دارد و هر کدام از آن‌ها، می‌توانند معنای مضیقی از حکمرانی را به دست دهند (بیور، ۱۳۹۸، ص ۱۳). آنچه در این پژوهش منظور است، مؤلفه‌هایی هستند که در تنظیم مقررات زندگی اجتماعی (ردیف E)، جامعه‌پردازی (کد F2) و خطوط اساسی حاکمیت (F1) ایفای نقش می‌کنند. بر این اساس می‌توان حکمرانی را در راهبردها، سیاست‌های کلان و قوانینی تعریف نمود که همه‌گی تحقق مقاصد معینی را در چهارچوب نظام ارزشی حاکم دنبال می‌کنند (خسروپناه، ۱۴۰۰، ص ۲۷) و البته بر شیوه‌های اجرا و اعمال قدرت نیز سیطره دارند.

۴-۱- تحلیل شبکه مفهومی الزامات مرجعیت قرآن کریم

بررسی‌های صورت‌گرفته در جدول تحلیل محتوا نشان می‌دهد که «الزامات مرجعیت قرآن کریم» متشکل از پنج مؤلفه است. این مؤلفه‌ها در ارتباطی اندام‌وار با همدیگر قرار دارند و در فعلیت‌بخشی به مرجعیت قرآن کریم ایفای نقش می‌کنند. دال مرکزی این مؤلفه‌ها که دیگر مؤلفه‌ها حول آن مفصل‌بندی می‌شوند، «تدبّر در قرآن» است. پنج مؤلفه از این قرار می‌باشند:

- تشکیل حکومت اسلامی

- منبر تلاوت

- انس عمومی یا عمومی‌سازی فهم قرآن

- حفظ قرآن

- تدبّر در قرآن

در واقع، اگر قرار باشد مرجعیت قرآن کریم محقق و بالفعل شود و بر یک جامعه حاکمیت و امامت یابد، این پنج مؤلفه باید به کار گرفته شوند. در این نظریه، مرجعیت قرآن کریم نیازمند بستری برای تحقق است که «ایجاد حکومت اسلامی» (کد C3) و «ادراک و پذیرش عمومی» (کد F2) دو ضلع این بستر محسوب می‌شوند. عمومی‌سازی فهم قرآن کریم، راهبردی برای ادراک و اقبال عمومی در زمینه مرجعیت قرآن کریم است که خود از ره‌آورد‌های منبر تلاوت است (کد B2).

1. Governance

2. Life Style

3. Humanities

۴-۱-۱- نسبت‌سنجی تدبیر، تلاوت و حفظ

تحلیل بیانات نشان می‌دهد دال مرکزی الزامات مرجعیت قرآن کریم، «تدبیر در قرآن» است. در این نظریه، «تدبیر» به عنوان اصلی‌ترین الزام روشی مرجعیت قرآن کریم و طریق رجوع به قرآن و استفهام از آن شناخته می‌شود (کد B2 و K1) و مؤلفه‌های «تلاوت»، «انس» و «حفظ» حول آن مفصل‌بندی می‌شوند. حفظ قرآن به عنوان عامل تسهیل‌گر تدبیر قلمداد می‌شود (کد F3). قرآن کریم در کنار آیه و سوره، از یک هویت جمعی برخوردار است که تمامی مجموعه آیات و سوره را دربرمی‌گیرد (مضمون اصلی ردیف L). اساساً روش تفسیری قرآن به قرآن، بر چنین هویت واحدی از قرآن استوار است. اینکه قرآن کریم خود را «قول» نامیده است: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ﴾ (طارق: ۸۶/۱۳) بر همین هویت واحد یکپارچه دلالت می‌دهد (خوش‌منش، ۱۳۹۷، ص ۱۸۸). از این رو، قلمرو تدبیر، محدود به آیه یا سوره نمی‌شود و تمامی مجموعه قرآن را شامل می‌شود. بنابراین در این نظریه مراد از مرجعیت قرآن، مجموعه‌ای از آگاهی‌های انسجام‌یافته‌ای است که هویت جمعی قرآن را شکل می‌دهند. حفظ قرآن از آن‌جا که تمامی قرآن را یک‌جا در ذهن می‌نشانند، طبعاً به فرایند تدبیر در آیات و فهم آیات با آیات کمک می‌کند. اما درباره نسبت تلاوت با تدبیر، در این نظریه تدبیر تلازم همیشگی با «تلاوت» دارد. این دیدگاه بر آیات قرآن و روایات ائمه (ع) در زمینه فهم قرآن مبتنی است. در بعضی از روایات، همنشینی و انطباق تلاوت با تدبیر مشاهده می‌شود. در روایتی از امام صادق (ع) که در توضیح آیه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (بقره: ۱۲۱/۲) آمده است، درباره تلاوت‌کنندگان حقیقی قرآن فرموده‌اند: «مَا هُوَ وَاللَّهِ بِحِفْظِ آيَاتِهِ وَسَرْدِ حُرُوفِهِ وَتِلَاوَةِ سُورِهِ وَدَرْسِ أَعْشَارِهِ وَأَخْمَاسِهِ حَفِظُوا حُرُوفَهُ وَأَصَاعُوا حُدُودَهُ وَإِنَّمَا هُوَ تَدْبِيرُ آيَاتِهِ وَالْعَمَلُ بِأَحْكَامِهِ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ: به خدا قسم! حق تلاوت، (تنها) حفظ کردن آیات و حروف آن و قرائت سوره‌ها و بخش‌های ده‌گانه و پنج‌گانه آن نیست تا حروف قرآن را حفظ کرده باشند و حدود آن را ضایع؛ بلکه حق تلاوت، همان تدبیر در آیات و عمل به احکام آن است. خداوند تعالی می‌فرماید: «ما کتابی مبارک به سوی تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبیر شود» (ص: ۲۹/۳۸). علامه طباطبایی که خود روش تدبیری و قرآن به قرآن را مبنای روش تفسیری خویش قرار داده است، مراد از گزاره «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» را تدبیر دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۶)؛ یعنی حق تلاوت قرآن زمانی اداء می‌شود که توأم با تدبیر یا ملازم با تدبیر باشد. بر این پایه معلوم می‌شود، الگوی تلاوت مطلوب در معارف دین، تلاوت تدبیری است. از نظر برخی اندیشمندان قرآنی، مؤلفه‌های تلاوت و استماع و رابطه آن‌ها با تدبیر، ضرورت تلقی قرآن به عنوان یک «زبان» را ایجاب می‌کنند. بر پایه مطالعات پدیدارشناختی، چون زبان در وهله اول یک پدیده شفاهی و سمعی است؛ به همین دلیل، در شیوه‌ی آموزش آن نیز حس شنوایی، بیشترین نقش را ایفا می‌کند (خوش‌منش، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳). بنابراین، تلاوت و استماع در روش‌شناسی تعلیم و تدبیر قرآنی و در نتیجه، مرجعیت‌یافتگی قرآن کریم، نقش راهبردی دارند.

۲-۴- تحلیل شبکه مفهومی چرایی مرجعیت قرآن کریم

مطابق نمودار شماره ۱ و بسامد بالای این مقوله، معلوم می‌شود از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، اینکه چرا قرآن کریم باید در جامعه اسلامی مرجعیت یابد و به تعبیر دیگر، این‌که چه عواملی ضرورت مرجعیت‌یافتگی قرآن را ایجاد می‌کنند، هنوز برای جامعه اسلامی آن‌طور که باید، حلّ و مدلل نشده است. از طرف دیگر، مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی موجب شده تا قرآن کریم مهجور و از صحنه علم و عمل جامعه اسلامی کنار گذاشته شود. بر این پایه، ایشان بیش از مقوله‌های دیگر تلاش کرده‌اند بر تبیین چرایی مرجعیت قرآن متمرکز شوند. در ذیل، پس از بیان مقدمه‌ای ناظر به نسبت مرجعیت قرآن با مهجوریت قرآن، تحلیل‌های کمی و کیفی مؤلفه‌های چرایی مرجعیت قرآن کریم ترسیم و ارائه خواهد شود.

۴-۲-۱- مهجوریت قرآن

مهجوریت قرآن از مباحث پردامنه در حوزه تفسیر است که آراء گوناگونی حول چستی آن مطرح شده است. به هجر قرآن در آیه ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ (فرقان: ۳۰/۲۵) تصریح شده است. اهم آراء درباره مراد از مهجوریت قرآن عبارتند از: «ترک عمل به قرآن» (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۸۷/ مدرس، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۴۲۳)، «حذف از دستور و برنامه زندگی» (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۵۶۱/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۷۶)، «ترک استماع تلاوت و تدبّر در آیات» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۶۳/ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۳۹)، «ترک ایمان به قرآن» (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۲۳۳)، «عدم استماع قرآن توسط مشرکان و اعراض از آن» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۷/ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۹۸) و «سحر و شعر و... نامیدن قرآن» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۵۵/ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۷۰). در نظر آیت‌الله خامنه‌ای، «مهجوریت قرآن» در نسبت با «مرجعیت قرآن» معنا می‌یابد، به این معنا که تنها زمانی قرآن در یک جامعه مهجور نیست که مرجع باشد و حاکم بر اجتماع قرار بگیرد (کدهای E1 و L1/ خامنه‌ای، ۱۳۹۴، صص ۶۲-۶۳) و «إلا اصل ایمان به قرآن، مورد اتفاق همه فرق اسلامی بوده و در طول تاریخ هم تلاوت می‌شده و احکام آن در ساحت فردی مورد عمل قرار می‌گرفته است. مطابق این نظر، امامان معصوم(ع) همواره در حال مبارزه برای تشکیل حکومت اسلام بودند و هدف آن‌ها از شکل‌گیری حاکمیت دین، مرجعیت‌یافتگی قرآن در سطح کلان اجتماعی بوده است (ردیف C). مهجوریت قرآن به معنای خارج کردن آن از حیظه مرجعیت، محصول دو عامل داخلی و یک عامل خارجی است:

عوامل داخلی، یکی نگرش رایج مبنی بر انحصار فهم قرآن کریم به ائمه هدی(ع) و عدم امکان فهم غیر معصوم بوده که باعث شده بسیاری از مسلمانان به قرائت صرف بدون تدبّر و تلاش برای فهم آیات، آن هم به صورت کاملاً فردی اکتفا کنند. این عامل مؤثرترین عامل در مهجوریت قرآن بوده است. عامل داخلی دوم، غلبه رویکردهای فلسفی و استدلال‌ات خشک و بی‌اثر در جامعه اسلامی است که قرن‌ها به طول انجامید و باعث فاصله گرفتن از معارف اسلامی متخذ از قرآن شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، صص ۲۳۲ و ۲۵۴):

عامل خارجی هم تلاش قدرت‌های استعماری برای انزوای قرآن کریم در جوامع اسلامی یا تحریف مفاهیم فعال و تحرک‌بخش قرآن به یک‌سری مفاهیم انفعالی بوده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲). آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به سیره و روایات امامان معصوم (ع) در باب ارجاع مؤمنان به قرآن و نیز آیات قرآن، با انگاره عدم امکان فهم قرآن به عنوان مؤثرترین عامل هجر قرآن در جامعه اسلامی مقابله کرده‌اند. ایشان در یک مورد با استفاده از آیه: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (انفال: ۲ / ۸) که بر ازدیاد ایمان مؤمنان متأثر از تلاوت قرآن تصریح دارد، عدم امکان فهم قرآن و اختصاص آن به ائمه هدی (ع) را نفی کرده و معتقدند، ثمره تلاوت قرآن باید ازدیاد ایمان مؤمن باشد و همین، عمومیت فهم قرآن را اثبات می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۷۱).

۴-۲-۲- مؤلفه‌های چرایی مرجعیت قرآن کریم

مبتنی بر احصاء و شمارش مضامین اصلی و فرعی جدول تحلیل محتوا، پنج مؤلفه را می‌توان مبانی آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه مرجعیت قرآن کریم قلمداد نمود که عبارت از موارد ذیل می‌باشند:

- معیار بودن معرفت قرآنی (مرجعیت در اعتبارسنجی معرفت)؛

- جامعیت قرآن کریم؛

- حرکت‌آفرینی معرفت قرآنی (مرجعیت در روش)؛

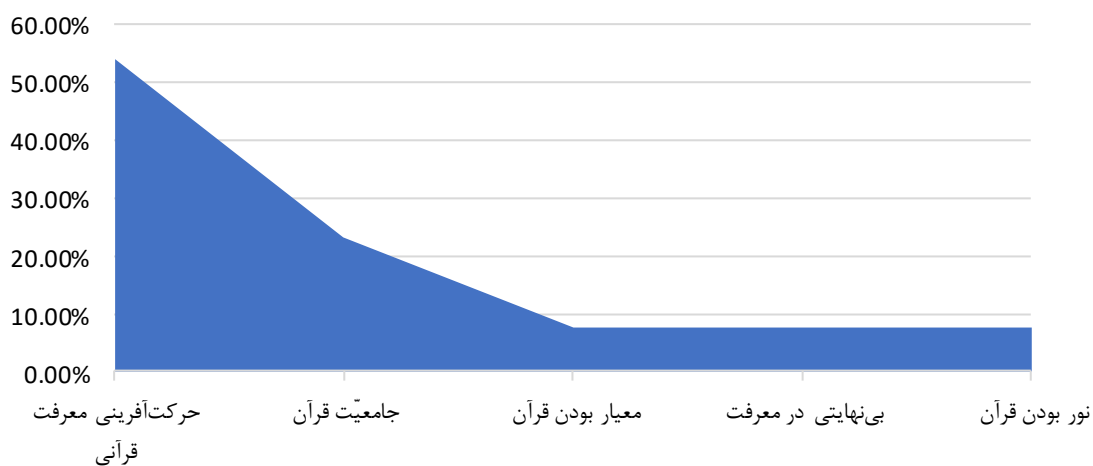
- بی‌نهایتی در معرفت؛

- نور بودن قرآن کریم.

هر یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه بالا، ظرفیت استخراج مجموعه‌ای از گزاره‌های دانشی را دارند که مجال وسیع‌تری را می‌طلبد. در عین حال، از ملزومات معیار بودن معرفت قرآنی، پایه‌ای بودن آموزش قرآن و تقدّم آن بر دیگر علوم است. صدرنشین تعلیم قرآن، یک اصل بنیادین در سیره نبوی (ص) و اهل بیت (ع) نیز به شمار می‌آید (خوش‌منش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۴). جامعیت قرآن نیز حاکی از گستره و قلمرو آن است که به بحث گذاشته شد. بی‌نهایتی در معرفت، اصل جاودانگی قرآن را تداعی می‌کند و یکی از ملزومات نوربودن قرآن، استقلال آن در دلالت خود و بی‌نیازی از تبیین توسط غیر خود است (همان، ص ۸۴).

بررسی کمی میزان تکیه بر پنج مؤلفه بالا، از یک‌سو می‌تواند حاوی دلالت‌هایی در کشف مهم‌ترین مبنای آیت‌الله خامنه‌ای و شناسایی دالّ مرکزی نظریه ایشان در چرایی مرجعیت قرآن کریم باشد و از سوی دیگر، فرصت مطالعات مقایسه‌ای با نظریات مشابه را فراهم آورد تا اختصاصات و احیاناً نوآوری‌های اندیشمندان در یک موضوع مشترک قابل کشف و عرضه باشد. بر این اساس لازم است، مبتنی بر داده‌های مستخرج از جدول تحلیل محتوا، سطح دخالت هر یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای درباره چرایی مرجعیت قرآن تعیین و ترسیم گردد. نمودار شماره ۲ (Area) تصویر روشنی از سطح دخالت هر یک از مؤلفه‌ها را به دست می‌دهد:

نمودار شماره ۲: سنجش فراوانی مؤلفه‌های چرایی مرجعیت قرآن



بر پایه نمودار سطح (Area)، مؤلفه «حرکت‌آفرینی معرفت قرآنی» با فاصله زیاد از دیگر مؤلفه‌ها، بیشترین بسامد را با بیش از ۵۰ درصد دارد. معلوم می‌شود، نوع معرفت قرآنی و شیوه تعلیمی آن، نقش اصلی را در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر مرجعیت‌یافتگی قرآن کریم و لزوم معیار و ملاک قرار گرفتن آن در سه حوزه «حکمرانی»، «سبک زندگی» و «بنیان‌های علوم انسانی» ایفا می‌کند. در این جا لازم است، نوع معرفت قرآنی و منطق آن در این نظریه به بحث گذاشته شود تا ضمن نمودار شدن لایه‌های مخفی و عمیق‌تر این مؤلفه، نسبت آن با الزامات مرجعیت قرآن کریم روشن شود و بدین صورت، بستر الگوپردازی در این نظریه فراهم آید.

۴-۲-۳- تقریر حرکت‌آفرینی معرفت قرآنی

یکی از مهمترین ابعاد ویژگی‌های دین‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای، فهم مباحث اسلامی به شکل کارساز است (خسروپناه، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۸۱) به‌گونه‌ای که اندیشه اسلامی از «ذهنیت محض خارج گشته و... ناظر به تکالیف عملی و به‌ویژه، زندگی اجتماعی باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۳۸). در بررسی گزاره‌های فراوانی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و تحلیل محتوای آن‌ها، تأکید زیادی از سوی ایشان بر عمل دینی و حرکت جامعه مشاهده می‌شود.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، «مقتضای مخاطب» باید در طرح مباحث معرفتی رعایت شود و چون مخاطب در اینجا انسان است، لازم است متکی به انسان‌شناسی صحیحی باشد. یکی از ابعاد وجودی انسان در کنار عقلانیت، عواطف و احساسات او است. از این رو، توجه به عواطف انسان، یکی از الزامات حتمی در طرح مباحث معرفتی است (کد A5). نه استدلال عاری از عاطفه و نه عاطفه عاری از استدلال، نمی‌توانند شخصیت

انسان را آن‌طور که باید، بسازند. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه تصریح می‌کنند که: «عاطفه به‌جای خود و منطق و استدلال هم به‌جای خود، هر یک سهمی در بنای شخصیت انسان دارد... نه عاطفه جای استدلال را می‌گیرد و نه استدلال می‌تواند به‌جای عواطف بنشیند» (مختارپور قهرودی، ۱۳۹۴، ص ۹۴). نقد ایشان به طرح مباحث دینی با ادبیات فلسفی، دقیقاً مبتنی بر همین الزام روشی است. از نظر ایشان، یکی از عوامل رکود و بی‌تحركی مسلمانان در قرون اخیر، غلبه مباحث و ادبیات فلسفی بر مباحث قرآنی در تبیین اساسی‌ترین عقاید دینی همچون توحید است. ایشان در «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» می‌گویند: «یک‌قدری با آهنگ توحید در قرآن باید آشنا شد. بدجوری ما در زمینه شناخت معارف اسلامی از قرآن دور افتادیم یا سرگرم شدیم به یک سلسله پندارهای عامیانه و سست که در پوچی و بی‌اساسی و بی‌بنیادی، از هر پوچی، پوچ‌تر است و توأم با خرافات... یا در نقطه مقابل، سرگرم شدیم به استدلال‌های خشک بی‌روح بی‌اثر بی‌مسئولیت در زمینه توحید. چه بحث‌های فلسفی بی‌اثر و خشکی! ببینید چقدر درباره توحید بحث کردند متکلمین و چقدر این بحث‌ها در تشکیل و ایجاد یک جامعه توحیدی بی‌اثر بود... درحالی‌که اگر به قرآن برمی‌گشتیم، اگر توحید را از قرآن می‌خواستیم، قرآن ابعاد و رویه‌ها و اندام‌های مختلف این پیکر و این هیكل را، این بنای توحید را، در ضمن صدها آیه، با بهترین بیان، با رساترین شیوه‌ها بیان کرده. آن‌وقت معلوم می‌شود که زندگی توحیدی و انسان موحد کیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، صص ۲۳۲-۲۳۳). این بیان، نیازمند تدقیق در هریک از گزاره‌ها و اصطلاحات آن است. معلوم است که محل اصلی نزاع، مضمون و محتوای مشارب فکری و معرفتی نیست، بلکه روش تعلیمی و تربیتی آن‌هاست. محل نزاع در «خشکی»، «بی‌روحي» و «بی‌اثری» یک منبع و مشرب معرفتی از سویی و «بهترین بیان» و «رساترین شیوه‌ها» ی یک منبع و مشرب معرفتی از سوی دیگر است. آنچه آیت‌الله خامنه‌ای دنبال می‌کنند، ظهور عمل دینی و به تعبیر دیگر، امتداد اجتماعی معرفت دینی است که نمود آن را در «تشکیل و ایجاد یک جامعه توحیدی» می‌دانند. این یعنی اینکه اصل نه بر دانایی که بر «کارایی دانایی» است و کارایی دانایی، نیازمند بازنگری بر روش‌ها و شیوه‌های تعلیم و آموزش است.

۴-۲-۳-۱ - روش‌شناسی قرآن در بیان معارف

معلوم شد که در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای، اصل بر ظهور عمل دینی است و میزان نافعیت علم، تابع مابه‌ازایی است که در خارج و در شکل‌گیری حرکت و عمل دینی در ساحت فردی و اجتماعی دارد. تکیه ایشان بر تدبیر قرآنی و معرفت حاصل از آن در طرح معارف دینی نیز، دقیقاً به همین خاطر است. از نظر ایشان، قرآن کریم بهترین عامل و ابزار حرکت جامعه اسلامی است (کد M2). معرفت قرآنی به‌گونه‌ای است که مخاطب را به حرکت وامی‌دارد (D2). قرآن کریم از این نظر، روش مستقل و منحصر به فردی در آموزش دارد. این کتاب به تعلیم حقایق اکتفا نمی‌کند، بلکه «روح را نیرومند می‌کند. این شیوه قرآن است که طی تذکر حقایق، با بیان خاصی، روح را برای پذیرش مسئولیت بزرگ نیز آماده می‌کند. خاصیت تعلیم صحیح آن است که در ضمن آن، به پرورش هم بها داده می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۶۰). در واقع، اینجا یک بحث بنیانی درباره «نقش

شناخت» مطرح می‌شود. آنچه از تحلیل مجموع گزاره‌ها استنباط می‌شود، این است که در این نظام فکری، حرکت انسان، لزوماً محصول شناخت و آگاهی او نیست، بلکه مؤلفه دیگری او را به جنبش و حرکت وامی‌دارد و آن عاطفه و تمایلات قلبی است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، زمانی عمل دینی ظهور می‌کند که عقلائیّت با محبت و عشق توأم شده باشد: «اگر این عقاید، این پابندی‌های عقلانی، با محبت و با عواطف عجیب و همراه شد، آن وقت عرصه، عرصه عمل قرآنی خواهد شد» (ردیف O، کد O1). بنابراین، شناخت صرف برای انسانی که هیچ تمایل عاطفی در او شکل نگرفته است، حرکت‌آفرین نیست (بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۴۷). بر این اساس، پایه حرکت‌آفرینی معرفت قرآنی، به نقش آن در برانگیختگی عواطف مخاطب برمی‌گردد؛ اما اینکه مکانیزم آن چیست و چگونه عمل می‌کند، جنبه دیگری از بحث است که اشاراتی ولو مختصر درباره آن در نظام بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به چشم می‌خورد.

۴-۲-۳-۲- مکانیزم حرکت‌آفرینی معرفت قرآنی

تحلیل محتوای گزاره‌های بیانات، حاوی کلیدواژه‌هایی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان ترسیمی کلی از سازوکار اثرگذاری معرفت قرآنی بر حرکت و عمل مخاطب ارائه داد. «تدبّر»، «تلاوت»، «استماع»، «دل/قلب» و «اشک/گریه» مهمترین و پربسامدترین کلیدواژه‌هایی هستند که ذیل مقوله «چراپی مرجعیت قرآن کریم» و ذیل مؤلفه «حرکت‌آفرینی معرفت قرآنی» به کار رفته‌اند. همنشینی کلیدواژه‌ها در یک زنجیره کلامی در کنار همدیگر، به ایجاد رابطه معنایی میان واژگان می‌انجامد (قائمی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۳۸). از کشف روابط معنایی واژگان، شبکه‌ای مفهومی به دست می‌آید که در ارتباطی اندام‌وار، الگویی از مکانیزم حرکت‌آفرینی معرفت قرآنی به دست می‌دهند. جدول تحلیل محتوا نشان می‌دهد که هر تلاوتی نمی‌تواند زمینه‌ساز و موجب تدبّر باشد و لزوماً باید با آدابی همراه باشد (کد A2). از این نظر، مقصد اولی و فراتری چنین تلاوتی که ملازم تدبّر است، «قلب» مخاطب است (کد O3) و «استماع» در آن نقش زمینه‌ای فعال دارد (کد A4). بنابراین، هم تلاوت باید به‌گونه‌ای باشد که مضامین و مفاهیم قرآنی را مستقیماً به قلب مخاطب برساند و هم استماع باید به‌گونه‌ای باشد که قلب، آماده دریافت کلام‌الله باشد؛ «آداب تلاوت» و «آداب استماع» بر همین اساس معنا می‌یابند. این دیدگاه کاملاً بر یک منطق قرآنی تکیه دارد. آیه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد: ۴۷/۲۴)، تدبّر را کار قلب شمرده است؛ یعنی همچنان که تلاوت قرآن از راه گوش به سمع انسان می‌رسد، معنای آن نیز از راه قلب به انسان منتقل می‌شود و در جان او نفوذ می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۰). از آنجا که تدبّر کار قلب است، این مسأله رابطه مستقیمی با شیوه آموزش قرآن دارد؛ یعنی آموزش قرآن به‌نحوی باید باشد که قرآن را وارد قلب مخاطب کند (خوش‌منش، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶). بر این اساس، ابزاری نیاز است تا قلب را برای تدبّر آماده کند و کارکرد اصلی تلاوت همین است. تلاوت اولین اثرش را بر

جلاء و گشایش قلب، به عنوان کانونی‌ترین مرکز ادراک و تدبّر می‌گذارد و در چندین روایت به این نکته تصریح شده است. از حضرت رسول (ص) نقل شده که فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصُدُّ كَمَا يَصُدُّ الْحَدِيدُ قَبْلَ فَمَا جَلَاؤُهَا قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همچنانکه آهن اگر آب به آن رسد زنگ می‌زند، این دلها نیز زنگار می‌بندد. عرض شد: صیقل دادن آنها به چیست؟ فرمود: یاد خدا و تلاوت قرآن» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷، ص ۲۳۷)؛ «إِنَّ لِلْقُلُوبِ صَدَاءً كَصَدَا النُّحَاسِ فَاجْلُوهَا بِالِاسْتِغْفَارِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ: همانا دل‌ها زنگ می‌زند، مانند مسی که دچار زنگ‌زدگی شده است، بنابراین دل‌های خود را با استغفار و تلاوت قرآن جلا دهید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۷۲). تجارب بعضی عالمان دین نیز چنین اثری را نشان می‌دهد. صدرالمآلهین تجربه خود از تلاوت سوره حدید را این‌طور بیان می‌کند: «از جمله موارد نادر و غریب این است که این بنده مسکین در زمانی از ایام گذشته بر حسب عادت و در حین تلاوت، مشغول تأمل و تدبّر در معانی آیات و اسرار و اشارات آن‌ها بودم که یک افتتاح و گشودگی در قلبم به‌واسطه آیات این سوره و اشارات آن حاصل شد» (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۱۶). ملاصالح مازندرانی در بیان آثار زهد، به تلاوت توأم با تدبّر اشاره می‌کند و ثمره آن را تطهیر قلب برمی‌شمرد: «ثمره تلاوت قرآن کریم و تدبّر در آیات آن، محبت به حق و توجّه به آخرت و شست‌وشوی صورت قلب از چرک و سوسه‌ها و زشتی رذائل و گناه میل به دنیا است» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۹۵). بنابراین، معلوم می‌شود تلاوت قرآن و استماع آن، قلب را آماده تدبّر در آیات می‌کند. در آیه ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ (اعراف: ۱۰۰ / ۷)، میان «استماع» و «قلب» رابطه‌ای برقرار شده است. چنانکه گفته‌اند، مُدْرِكِ اصْلِ حَقَائِقِ قُرْآنِ که با تدبّر درمی‌یابد، قلب است و به همین دلیل، استماع قرآن به قلب نسبت داده شده است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۷۹). قوه سامعه انسان از نقش ممتازی در فراگیری قرآن برخوردار است و از ابعاد مختلفی بر قوه باصره برتری دارد. در آیات متعددی از قرآن کریم، «سمع» بر «بصر» مقدم شده است که می‌تواند حاوی دلالت‌های مهمی در امر آموزش قرآن باشد (ر.ک: خوش‌منش، ۱۳۹۷، صص ۱۷۲-۱۷۵) در این صورت - یعنی با تحقق آداب تلاوت و آداب استماع - نمود تأثیرپذیری قلبی و روحی انسان از تلاوت، در «گریه و اشک» او جلوه می‌یابد (A2). بکاء و اشک مخاطب تلاوت قرآن، حاکی از عمق تأثر عاطفی است که از کلام‌الله دریافت کرده است و نیز می‌تواند از بیداری فطرت خداخواه او و متذکر شدنش به آنچه گویی نسبت به آن شناخت وجودی و قلبی داشته است، حکایت کند. به نظر می‌رسد، باید برای «بکاء و اشک» در حوزه تلاوت آیات، یک فصل مستقلی در مطالعات قرآنی باز نمود. قرآن کریم در مواردی، به حالت بکاء مخاطب به هنگام قرارگرفتن در معرض تلاوت قرآن اشاره کرده است. از جمله در سوره اسراء حالت کسان را توصیف می‌کند که تحت تأثیر تلاوت آیات، گریه‌کنان به سجده می‌افتند: ﴿قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ

أَوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿اسراء: ۱۰۷-۱۰۹﴾: بگو: به آن ایمان بیاورید یا نیاورید [برای آن یکسان است]. همانا کسانی که پیش از [نزول] آن، معرفت و دانش یافته‌اند، زمانی که بر آنان می‌خوانند، سجده‌کنان به رو در می‌افتند و می‌گویند: منزّه و پاک است پروردگاران! بی‌تردید وعده پروردگاران قطعاً انجام شدنی است و گریه‌کنان به رو در می‌افتند و [شنیدن قرآن] بر فروتنی و خشوعشان می‌افزاید. این گریه نشان از تواضع روح و تحرک آن در خط عبودیت الهی در یک حالت تصاعدی و روبه‌رشد دارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۲۵۲) که در واقع حاکی از استعداد روح انسان برای پذیرش عبودیت الهی تحت تأثیر تلاوت آیات است.

در آیات دیگری که حاوی نکات بسیار با اهمیتی است، می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَ مَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿مانده: ۵/ ۸۳-۸۴﴾: و چون آنچه را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند، دیدگانشان را می‌بینی به سبب آنچه از حق شناخته‌اند، لبریز از اشک می‌شود، می‌گویند. پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان [که به حقایق پیامبر و قرآن گواهی می‌دهند] بنویس و بر پایه چه عذر و بهانه‌ای به خدا و آنچه از حق برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ و حال آنکه امید داریم که پروردگاران ما را در زمره شایستگان درآورد. در این آیات، میان «استماع قرآن»، «کثرت اشک»، «معرفت حق»، «ایمان» و «صالحین» نسبت و رابطه همنشینی برقرار شده است که می‌توان گزاره‌های زیر را استفاده کرد:

- استماع قرآن مستقیماً سبب حصول معرفت در مخاطب می‌شود؛

- مخاطب به حق بودن معرفتی که از طریق استماع قرآن کسب کرده، بی‌واسطه واقف می‌شود؛

- حصول معرفت به واسطه استماع قرآن، عواطف مخاطب را به شدت برمی‌انگیزد؛

- ثمره معرفت حاصل از استماع قرآن و آمیخته با عاطفه، تحقق ایمان در وجود انسان است؛

- همه فرایند پیش‌گفته، موجب ظهور عمل صالح در فرد و ورود او به جرگه صالحین می‌شود.

ذکر این نکته لازم است که هرچند در این دو آیه سخنی از «قلب»، به عنوان اصلی‌ترین ظرف استماع تلاوت قرآن نرفته است، اما چون ایمان یک گروه قلبی و قائم به قلب است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۲۹/ خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۶۷)، معلوم می‌شود در اینجا نیز قلب، جاذب اصلی تلاوت و عامل اصلی کسب معرفت و حصول ایمان بوده است. از طرفی در صدر این سخن، از نسبت میان قلب با تدبیر سخن رفت و گفته شد که تدبیر، کار قلب است و درک حقایق از این طریق و با چنین ابزاری صورت می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری

گزاره‌های علمی زیر را می‌توان به‌عنوان یافته‌های نهایی این تحقیق به‌شمار آورد:

۱. در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون مرجعیت قرآن کریم، علی‌رغم نظریات مشابه که اغلب بر قلمرو مرجعیت قرآن تکیه کرده‌اند، چرایی مرجعیت و الزامات روشی تحقق آن مدنظر بوده است. از نظر ایشان، هنوز برای جامعه دینی آن‌طور که باید، روشن نیست که چرا قرآن و با کدام ظرفیت‌ها باید مرجعیت داشته باشد؟ و اساساً مرجعیت‌یافتگی قرآن چگونه تحقق می‌یابد؟

۲. برقراری نسبت میان «معرفت قرآنی» و «عمل دینی» از سوی آیت‌الله خامنه‌ای و نقد دیگر منابع معرفتی و مشرب‌های فکری مثل فلسفه دقیقاً از همین زاویه، نوعی نوآوری قلمداد می‌شود. این نوآوری با توجه به ابعاد روش‌شناسانه‌ای که دارد، می‌تواند حوزه‌های دانشی روش‌شناسی و زبان‌شناسی به‌خصوص در حوزه مطالعات دینی و قرآنی را تحت تأثیر قرار بدهد.

۳. مرجعیت قرآن سه عرصه کلان حکمرانی، بنیادهای علوم انسانی و سبک زندگی را دربرمی‌گیرد.

۴. مرجعیت قرآن در سه عرصه بالا، زمانی تحقق می‌یابد که اساساً اصل مرجعیت‌یافتگی قرآن، مقبول نخبگان جامعه قرار بگیرد و برای آن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شود و این همه فقط در بستر حاکمیت سیاسی دین و اقبال عمومی ممکن است. دال مرکزی الزامات تحقق مرجعیت قرآن، «تدبّر» است و مؤلفه‌های «تلاوت»، «استماع» و «حفظ» حول آن مفصل‌بندی می‌شوند.

۵. آنچه بیش از همه، ضرورت مرجعیت‌یافتگی قرآن را ایجاد می‌کند، نوع معرفت قرآنی و شیوه آن در تعلیم حقایق است. این شیوه کاملاً با «فطریات» و ساختار وجودی انسان سنخیت دارد و به نحوی است که از طریق تلاوت و استماع، با «قلب» و عواطف انسان رابطه برقرار می‌کند. در این صورت، معرفت دینی در ذهنیات متوقف نمی‌ماند و در ساحت فرد و اجتماع، امتداد عینی می‌یابد. این خصلت منحصر به فرد قرآن است و یکی از مهمترین وجوه تمایز آن با سایر منابع معرفتی و مشرب‌های فکری است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم؛

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۲. باردن، لورنس؛ *تحلیل محتوا*؛ ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ش.
۳. بلخی، مقاتل بن سلیمان؛ *تفسیر مقاتل بن سلیمان*؛ بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۴. بهشتی، سیدمحمد حسینی؛ *شناخت از دیدگاه قرآن*؛ تهران: بقیه، ۱۳۷۸ش.
۵. بیور، مارک؛ *حکمرانی؛ درآمدی بسیار کوتاه*؛ ترجمه: غلامرضا سلیمی و داود کریمی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۸ش.
۶. پاکتچی، احمد؛ *جریان‌های فهم قرآن کریم در ایران معاصر*؛ تهران: فلاح، ۱۳۹۵ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله؛ *نسیم اندیشه دفتر اول*؛ تحقیق: سید محمود صادقی، ج ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۸ش.
۸. خامنه‌ای، سید علی؛ *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*؛ ج ۴، قم: صهبا، ۱۳۹۳ش.
۹. _____؛ *درس‌های پیامبر اعظم (ص)*؛ ج ۴، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴ش.
۱۰. _____؛ *قرآن؛ کتاب زندگی*؛ ج ۲، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۳ش.
۱۱. _____؛ *تفسیر سوره برائت*؛ تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶ش.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین؛ *منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای*؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ش.
۱۳. _____؛ «حکمرانی اسلامی؛ در انتظار دولت اسلامی»؛ پاسدار اسلام، شماره ۴۶۹ و ۴۷۰، ۱۴۰۰ش، صص ۲۶ تا ۲۹.
۱۴. خوش منش، ابوالفضل؛ «قرآن کریم؛ بیداری و بین‌الملل اسلامی در عصر اخیر»؛ بینات، شماره ۵۷، ۱۳۸۷ش، صص ۹۷ تا ۱۲۵.
۱۵. _____؛ «تدبیر در قرآن؛ اصلی بنیادین در تعامل با کلام الله مجید»؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۱، ۱۳۸۷ش، صص ۱۴۵ تا ۱۸۶.
۱۶. _____؛ *زیان قرآن*؛ ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹ش.
۱۷. _____؛ *حمل قرآن*؛ ج ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷ش.
۱۸. زمخشری، محمود؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ ج ۳، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۹. سید قطب، سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی؛ *فی ظلال القرآن*؛ ج ۱۷، بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۰. سیوطی، جلال الدین؛ *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۱. طباطبائی، محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ *جوامع الجامع*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۲۳. _____؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۴. طبری، محمد بن جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۲۶. عترت‌دوست، محمد؛ «تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی قدرت؛ تلاشی برای فهم الگوی قدرت نرم در قرآن کریم»؛ مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱، ۱۳۹۷ش، صص ۷۹ تا ۱۱۰.
۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*؛ ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۸. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم؛ *تفسیر فرات الکوفی*؛ تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۹. فضل‌الله، سیدمحمد حسین؛ *من وحی القرآن*؛ ج ۲، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۳۰. فیض کاشانی، ملا محسن؛ *الصفافی*؛ ج ۲، تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
۳۱. قائمی‌نیا، علیرضا؛ خلجی، سمیه و شیرافکن، محمدحسین؛ «تحلیل میدان معنایی هم‌نشینی تقوا و ایمان در ساختار معنایی قرآن با تأکید بر روش ایزوتسو»؛ ذهن، شماره ۸۶، ۱۴۰۰ش، صص ۳۵ تا ۶۲.
۳۲. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله؛ *الدعوات*؛ قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق.
۳۳. کاشانی، ملا فتح‌الله؛ *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*؛ تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ش.
۳۴. کریندورف، کلاوس؛ «تجزیه و تحلیل محتوا»؛ رسانه، شماره ۱، ۱۳۷۳ش، صص ۴۶ تا ۵۰.
۳۵. مازندرانی، محمد صالح؛ *شرح الکافی*؛ تهران: المکتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ش.
۳۶. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۷. مختارپور قهرودی، علیرضا؛ *هفتاد و دو سخن عاشورایی (از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای)*؛ ج ۷، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴ش.
۳۸. مدرسی، سید محمد تقی؛ *من هدی القرآن*؛ تهران: دار محیی الحسین (ع)، ۱۴۱۹ق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۴۰. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم؛ *شرح اصول الکافی*؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
۴۱. موثقی، سید احمد؛ *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵ش.
۴۲. نوندورف، کیمیرلی ای؛ *راهنمای تحلیل محتوا*؛ ترجمه: حامد بخشی و وجیهه جلائیان‌بخشنده، مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۵ش.